

## استماع ومحادثة فارسية

إعداد

د/ ياسمين محمود أبودوح

الفرقة الثانية

قسم اللغة الفارسية - كلية الآداب بقنا

العام الجامعي

٢٠٢٢م / ٢٠٢٣

## بيانات أساسية

الكلية: الآداب

الفرقة: الثانية

التخصص: لغة فارسية

عدد الصفحات: ١٥١

القسم التابع له المقرر: قسم اللغة الفارسية

## محتوي الكتاب

الصفحة	الموضوعات
٨	<u>بخش اول: شنیداری</u>
١٠	درس اول: معرفی (١)
١٥	درس دوم: چی کجاست؟
١٩	درس سوم: شماره ها
٢٤	درس چهارم: معرفی (٢)
٢٨	درس پنجم: روابط خانوادگی
٣٤	درس ششم: کارهای روزمره
٣٩	درس هفتم: مسیر حرکت
٤٦	درس هشتم: ویژگی های ظاهری
٤٨	درس نهم: جدول
٥١	درس دهم: آدرس
٥٤	درس یازدهم: پرسش و پاسخ

۵۷	درس دوازدهم: خرید
۵۹	درس سیزدهم: کلمات پرسشی (۱)
۶۲	درس چهاردهم: کلمات پرسشی (۲)
۶۶	درس پانزدهم: ورزش
۷۱	درس شانزدهم: اشتباه شنیدن
۷۴	درس هفدهم: در دسر
۷۹	درس هجدهم: گفتگو (۱)
۸۳	درس نوزدهم: گفتگو (۲)
۸۹	<u>بخش دوم: گفتگوها</u>
۹۱	احوال پرسشی
۹۳	شغل
۹۷	نام کشور (اهل کجایی)
۱۰۱	مکان زندگی
۱۰۵	سن و سال

۱۰۹	خرید
۱۱۳	مدرسه
۱۱۹	آدرس منزل
۱۲۳	گفتگو ۱
۱۲۵	گفتگو ۲
۱۲۶	در سوپر مارکت
۱۲۷	هتل لاله
۱۲۸	کتابفروشی
۱۲۹	در فروشگاه ساعت
۱۳۰	تعطیلات
۱۳۲	چایخانه
۱۳۴	در فروشگاه پوشاک
۱۳۷	در پستخانه
۱۳۸	در مطب پزشک

۱۴۰	تاکسی
۱۴۲	در فروشگاه کفش
۱۴۴	در داروخانه
۱۴۷	در فروشگاه لوازم چرمی
۱۴۹	کیف پول
	<a href="https://drive.google.com/drive/folders/11z84A0FMhNPWWCkdT4sEchOzhFB9C2Qt?usp=sharing">https://drive.google.com/drive/folders/11z84A0FMhNPWWCkdT4sEchOzhFB9C2Qt?usp=sharing</a>



# بخش اول شنیداری





## درس اول: معرفی (۱)

الف - به گفتگوها گوش کنید و مشخص کنید کدام افراد با هم

صحبت می کردند؟

۲	۱
معصومه	مریم
میترا	مرجان
زهرا	سارا
نسرين	محمد
علی	رضا
امیر	مژگان

ب - بشنوید و کامل کنید.

ما ..... هستیم.

من ..... هستم.

شما ..... هستید.

تو ..... هستی.

او ..... است. آنها ..... هستند.

پ - بشنوید و پاسخ ها را کامل کنید .

۱- بله من .....

۲- نه، .....

۳- نه، .....

۴- نه، برادر من .....

۵- بله، .....

ت- بشنوید و با گذاشتن شماره ی مناسب در داخل مربع پاسخ هر

سؤال را مشخص کنید.

بله، من کره ای هستم.

نه، برادر من متأهل است.

بله، دوستان من کارمند هستند.

نه، من برزیلی نیستم.

بله، پدر من ژاپنی است.

بله، مادر من ایرانی است.

نه، دوست من آلمانی نیست.

بله، خواهر من معلم است.

ث - با توجه به گفتگوهایی که می شنوید جمله های زیر را کامل

کنید.

۱- من ..... هستم. من ..... و ..... هستم.

۲- دوست من ..... است. او ..... است. دوستم ..... است.

۳- دوستان ما ..... نیستند. آنها ..... هستند. آنها ..... نیستند. آنها

..... هستند.

۴- ما ..... هستیم. ما ..... هستیم. ما ..... هستیم.

## ج- بشنوید و قسمت های نادرست را مشخص کنید.

- ۱ - مریم ترکه. اون در تهران زندگی می کنه. مریم پرستاره.
- ۲ - محمد ایرانیه. اون در بیروت زندگی می کنه. محمد معلمه.
- ۳ - ریوکو سوئدیه. اون در توکیو زندگی می کنه. ریوکو کارمنده.
- ۴ - آندره ایتالیائیه. اون در لندن زندگی می کنه. آندره راننده ست.
- ۵ - دیوید سوئدیه. اون در پاریس زندگی می کنه. دیوید مهندسه.
- ۵ - خوزه فرانسویه. اون در پاریس زندگی می کنه. خوزه دانشجوئه.
- ۶ - جیک استرالیائیه. اون در سیدنی زندگی می کنه. جیک

فروشندهست.

- ۸ - الکس فرانسویه. اون در استکهلم زندگی می کنه. الکس استاد

دانشگاهه.

چ - بشنوید و جمله ها را کامل کنید.

- ۱- بله من ..... من در تهران .....
- ۲- نه من ..... اما در بیروت .....
- ۳- بله ..... ترک است..... در ..... زندگی می کند.
- ۴- نه او ..... است. او در ..... زندگی .....
- ۵- بله آنها ..... آنها ..... ایران .....
- ۶- نه او ..... ما در پاریس .....

## درس دوم: چی کجاست؟

الف - با کمک متنی که می شنوید، به سؤال ها پاسخ کامل دهید.

### بخش اول:

۱- کتاب کجاست؟

۲- خودکار کجاست؟

۳- عینک کجاست؟

۴- روزنامه کجاست؟

### بخش دوم:

۱- کیف کجاست؟

۲- کمد کجاست؟

۳- کلاه کجاست؟

۴- میز کوچک کجاست؟

۵- کتاب کجاست؟

ب - با کمک آنچه می شنوید کلمه های مرتبط را به هم وصل کنید.

وسایل	مکان	اسم	وسایل
کیف	رو	علی	کیف
دفتر	زیر	نرگس	دفتر
کتاب	وسط	زهرا	کت
میز	کنار	مریم	خودکار
خودکار	توی	حمید	پاک کن
پاک کن		رضا	صندلی
صندلی			شلوار
کت			بشقاب
شلوار			گلدان
بشقاب			کفش
گلدان			میز
کفش			کتاب
اتاق			اتاق
خونه			



پ- متن را دوباره بشنوید و جمله های درست را با «د» و جمله های

نادرست را با «ن» مشخص کنید.

شلوار علی روی کت نرگسیه.

پاک کن توی کیفه.

صندلی کنار اتاقه.

کت روی صندلیه.

دفتر زیر میزه.

کفش ها کنار اتاقه.

گلدون کنار میزه.

شلوار کنار کیفه.

ت - بشنوید و گزینه ی مناسب را انتخاب کنید.

۱- اعظم - اکرم - فاطمه

فاطمه - مریم - زهرا

۲- اكرم - اعظم - افسانه

مريم - زهرا - فاطمه

۳- مريم - اكرم - زهرا

اعظم - فاطمه - افسانه

## درس سوم: شماره ها

الف - شماره هایی را که می شنوید مشخص کنید.

۵۲ - ۴۲ - ۶۵ - ۲۶ - ۲۱ - ۶۸ - ۶۳ - ۷۲ - ۷۳ - ۷۹ - ۸۲

۹۶ - ۸۲ - ۷۳ - ۸۴ - ۹۲ - ۹۶ - ۹۹ - ۱۲ - ۱۳ - ۱۹ - ۱۵

ب - اسم ها را به شماره تلفن ها وصل کنید.

۲۸۷۳۲۵۵

حسین

۲۶۵۴۳۹۳

جواد

۳۴۵۶۱۷۸

رضا

۱۳۵۴۴۷۷

زهرا

۷۴۳۵۴۲۶

محمد

۹۴۶۵۳۲۴

مریم

۲۳۱۵۱۴۶

امین

پ- سؤال ها و پاسخ آنها را کامل کنید.

۱- امین شماره تلفنت .....؟

.....

۲- رضا ..... چنده؟

.....

۳- آقا جواد ..... بفرمایید؟

.....

۴- مریم خانم ممکنه شماره تون .....؟

.....

۵- محمد ..... شماره تلفنت رو .....؟

.....

۶- حسین ممکنه ..... بگی؟

.....

۷- زهرا شماره تلفنت .....؟

.....

ت - بشنوید و جاهای خالی را با واژه های مناسب پر کنید.

۱- محمد ..... اون در سال ..... آمده.

۲- زهرا متولد .....

۳- علی سال ..... دنیا .....

۴- زهره ..... از علی ..... است.

۵- مریم و مرجان ..... هستند.

۶- مرتضی ۴۵ .....

۷- معلم ما .....

۸- حسین ..... بچه است. هفت .....

۹- کیوان ..... است. الان ۱۵ .....

۱۰- احمد ۲۵ سالشه. دیگه .....

۱۱- فاطمه ..... یک ماهش است، فروردین ..... به دنیا.....

۱۲- فرشته ..... پیر .....

۱۳- بیژن و افشین ..... هستند.

ث- متن را دوباره بشنوید و به سؤال ها پاسخ دهید.

۱- محمد چه سالی متولد شده؟

۲- مریم و مرجان چند سالشونه؟

۳- فرشته جوونه یا پیر؟

۴- فاطمه چند وقتشه؟

۵- مرتضی متولد چه سالیه؟

۶- علی بزرگتره یا زهره؟

۷- حسین بزرگ شده؟

۸- زهرا بزرگ تره یا محمد؟

۹- احمد چند سال از علی کوچک تره؟

۱۰- کیوان بزرگ تره یا حسین؟ چند سال؟

۱۱- فرشته همسن معلم ما است؟

۱۲- محمد و احمد دوقلو هستند؟

## درس چهارم: معرفی (۲)

### افراد

الف - با گذاشتن شماره ی مناسب داخل مربع ها مشخص کنید هر

کسی چه شغلی دارد.

افراد	شغل ها
۱- زهرا	<input type="checkbox"/> قصاب
۲- جواد	<input type="checkbox"/> دانشمند
۳- امین	<input type="checkbox"/> معلم
۴- رضا	<input type="checkbox"/> فروشنده
۵- علی	<input type="checkbox"/> پزشک
۶- آقای کریمی	<input type="checkbox"/> مکانیک
۷- محمد	<input type="checkbox"/> دندان پزشک
۸- امیر	<input type="checkbox"/> پستی



۹- حسن  ورزشکار

۱۰- پیمان  راننده

۱۱- حسین  کشاورز

۱۲- مریم  خیاط

ب- بشنوید و جدول را کامل کنید.

م	اسم	شغل	تلفن
۱	کیوان		
۲	ماندانا		
۳	داوود		
۴	علیرضا		
۵	نرگس		
۶	مژده		
۷	زهره		

پ- با کمک آنچه می شنوید متنهای زیر را کامل کنید.

۱- من آرش ..... در تهران ..... پدر ..... ایرانی است، اما

..... ژاپنی است. .... پزشک است و مادرم ..... من

دانش آموز ..... و هر روز ..... می روم. پدر و مادرم

..... هم ..... به بیمارستان .....

۲- ماریا ..... زندگی ..... . ..... فرانسوی است. اما .....

انگلیسی است. پدرش ..... است و مادرش ..... است.

۳- من و علی ..... چین ..... اما ما .....

در ایران هستند. البته بعضی از ..... در چین .....

۴- محمد و حسن در ..... زندگی ..... . آنها برادر ..... .

..... در لبنان هستند. .... معلم و ..... کارمند

است. آنها هر سال برای دیدن ..... به لبنان می روند.

ت- بشنوید و جدول زیر را کامل کنید.

ماریا	دیوید	علی	زهرا	
				ملیت
				محل زندگی
				متأهل/مجرد
				شغل

## درس پنجم: روابط خانوادگی

الف - بشنوید و جاهای خالی را پر کنید.

علی و زهرا چهل سال پیش ..... آنها ..... پسر دارند.  
محسن در یک شرکت ..... . نرگس با ..... برادرش ازدواج  
..... . محسن در سال ..... نرگس ازدواج ..... . مریم  
..... . محسن بود. مجتبی و ناهید هر دو ..... و .....  
هستند.

ب- متن را دوباره بشنوید و جدول زیر را کامل کنید.

عمه	دایی	عمو	خاله	مادر	پدر	
						شقایق
						داریوش

پ- با توجه به متن به سؤاها پاسخ دهید.

۱- محمد چند سالش است؟

۲- مریم زمان ازدواج چند سالش بود؟

۳- محمد چند سال بزرگتر از مریم است؟

۴- نرگس بزرگتر است یا کیوان؟

۵- کیوان چند سالش است؟

۶- نرگس چند سالش است؟

ت- به سؤال ها گوش دهید و پاسخ آنها را بنویسید.

..... ۱-

..... ۲-

..... ۳-

..... ۴-

..... ۵-

ث - پاسخ سوال هایی را که می شنوید با گذاشتن شماره ی سوال در مربع ها مشخص کنید.

- مهندس.  بله، همشون.
- چهار ساله.  دو تا، یک دختر و یک پسر.
- آره، یکی.  نه غریبه است.
- نه، متألم.

ج - با توجه به مصاحبه ای که می شنوید جاهای خالی را پر کنید.

- اسمتان را .....

- کریمی هستم.

- متولد ..... هستید؟

- ۱۳۵۹

- یعنی چند .....؟

- .....

- چه ماهی به .....؟

- .....

- چندمه .....؟

- .....

- محل تولدتون کجاست؟

- .....

- ..... کجا هستید؟

- قزوین.

- ..... هستید یا .....؟

- .....

- همسرتون ..... هستند؟

- نه ..... هستند.

- شغل خودتون چیه؟

- ..... هستم.

- ..... خوبه؟

- بد نیست.

- بچه هم دارید؟

- به دختر.

- مدرسه می ره؟

- .....

- چند تا خواهر و برادر دارید؟

- دو تا خواهر و ..... برادر دارم.

- شما ..... خانواده هستید؟

- من بچه ی ..... هستم.



- پدرتون چند تا خواهر و برادر داره؟

- ..... تا برادر و ..... خواهر.

- یعنی شما دو تا ..... و ..... دارید.

- بله.

- مادرتون چند تا خواهر و برادر دارند؟

- مادرم .....

- پس شما ..... دایی و ..... خاله دارید.

- بله درسته.

- خوب من دیگه سؤالی ندارم.

- واقعاً!!!

## درس ششم: کارهای روزمره

الف - به متن ها گوش دهید و جاهای خالی را پر کنید.

۱- آقای عزیزی ..... است. او ..... ساعت ۷ از .....

و تا ساعت ۳/۵ بعد از ظهر در .....

۲- زهرا هر ..... چند کتاب ..... او هر .....

..... می کند. زهرا ..... به دوستانش کتاب .....

۳- رضا ..... اینترنت خیلی ..... او ..... جالبی از

اینترنت .....

۴- محسن به ..... خیلی ..... او ..... را

همیشه .....

۵- امید ..... است. او ..... به ..... می رود و همیشه

در مسابقات .....

ب- به متن گوش دهید و جاهای خالی را پر کنید.

من ..... هستم. .... خانواده ام ..... تمام ..... را  
خودم ..... هر روز ..... درست ..... هفته ای ۲  
بار ..... را ..... هر هفته ..... می کنم. خرید می کنم  
و خیلی ..... البته بیشتر وقت ها ..... من هر هفته به  
خانواده ام ..... و با آنها ..... و هر دو ماه به .....  
..... و آنها را .....

پ- با توجه به متنی که می شنوید جدول زیر را کامل کنید.

ساعت	کارها
۶	
۶/۳۰	
۷	
۸/۵	
۱۲	

ت - متن را دوباره بشنوید و زیر قسمت های نادرست خط بکشید.

۱- بعد از صبحانه خوردن تلویزیون تماشا می کنم.

۲- قبل از رفتن کیفم را آماده می کنم.

۳- یک مسیر کوتاه را پیاده می روم.

۴- با تاکسی تا دانشگاه می روم.

۵- ساعت ۱۲ کلاس شروع می شود.

۶- من معمولاً تنها غذا می خورم.

۷- تمام کلاس های من بعد از ظهر شروع می شود.

۸- هر روز به کتابخانه می روم.

۹- روزهای زوج خیلی خسته می شوم و بعد از کلاس به خانه می

روم.

۱۰- دو روز در هفته خرید می کنم.

ث- به گفتگوی پیمان و بیتا گوش دهید و جاهای خالی را پر کنید.

بیتا	پیمان		
		خانه	اِذا
		رستوران	
		سرخ کرده	پختن اِذا
		آب پز	
		نوشابه	نوشیدنی
		دوغ	

ج- سه جمله درباره ی پیمان و سه جمله درباره ی بیتا بنویسید.

پیمان:

..... ۱-

..... ۲-

..... ۳-

بیتا:

۱- .....

۲- .....

۳- .....

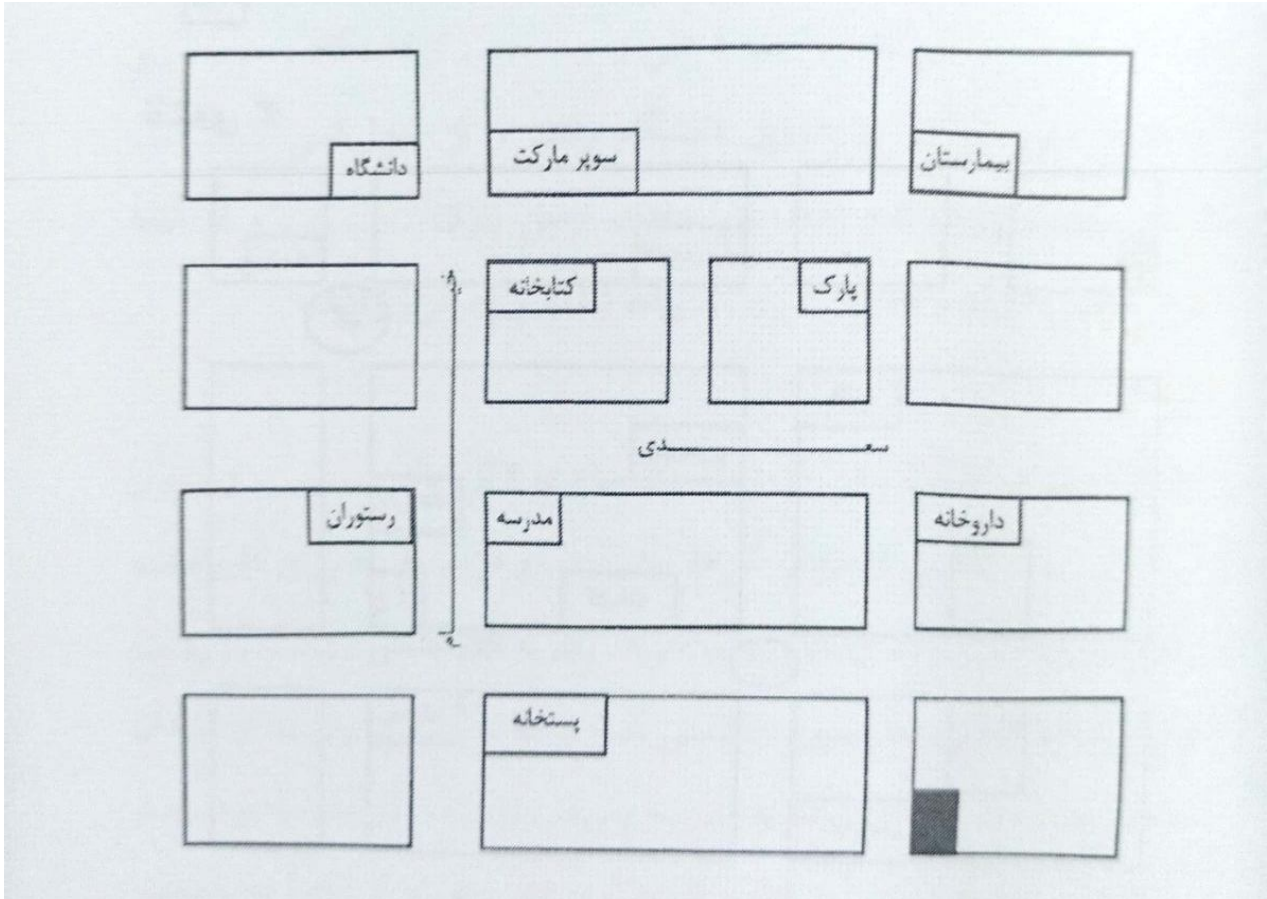
با کمک آنچه می شنوید جدول زیر را کامل کنید.

اسم	محل زندگی	شغل	علاقه/سرگرمی	رنگ	فصل
محمد					
مریم					
حامد					
فرشته					
کامران					
امید					

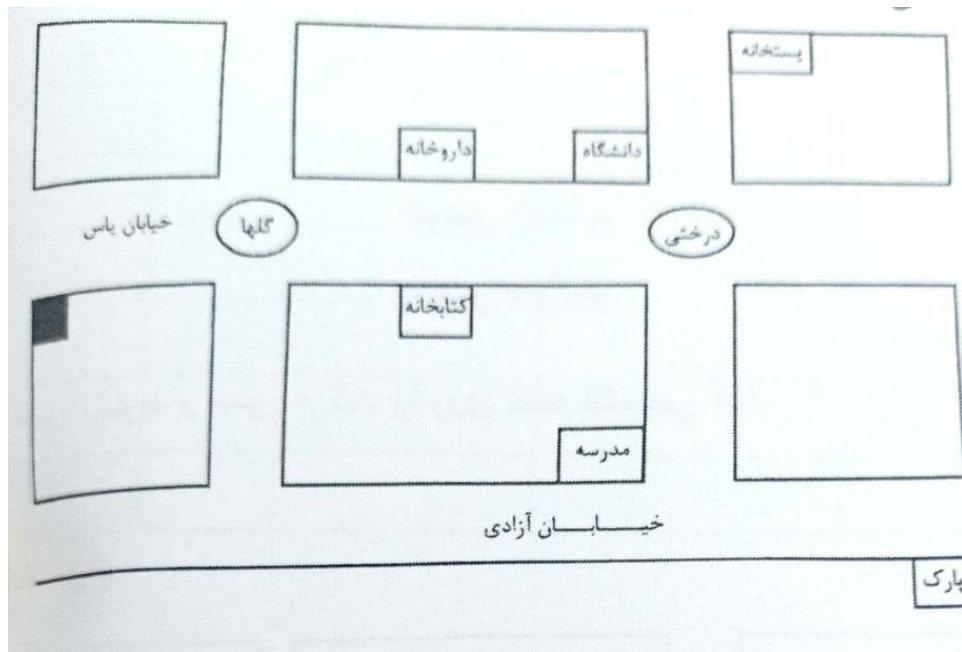
## درس هفتم: مسیر حرکت

الف - بشنوید و مسیر حرکت را روی نقشه مشخص کنید.

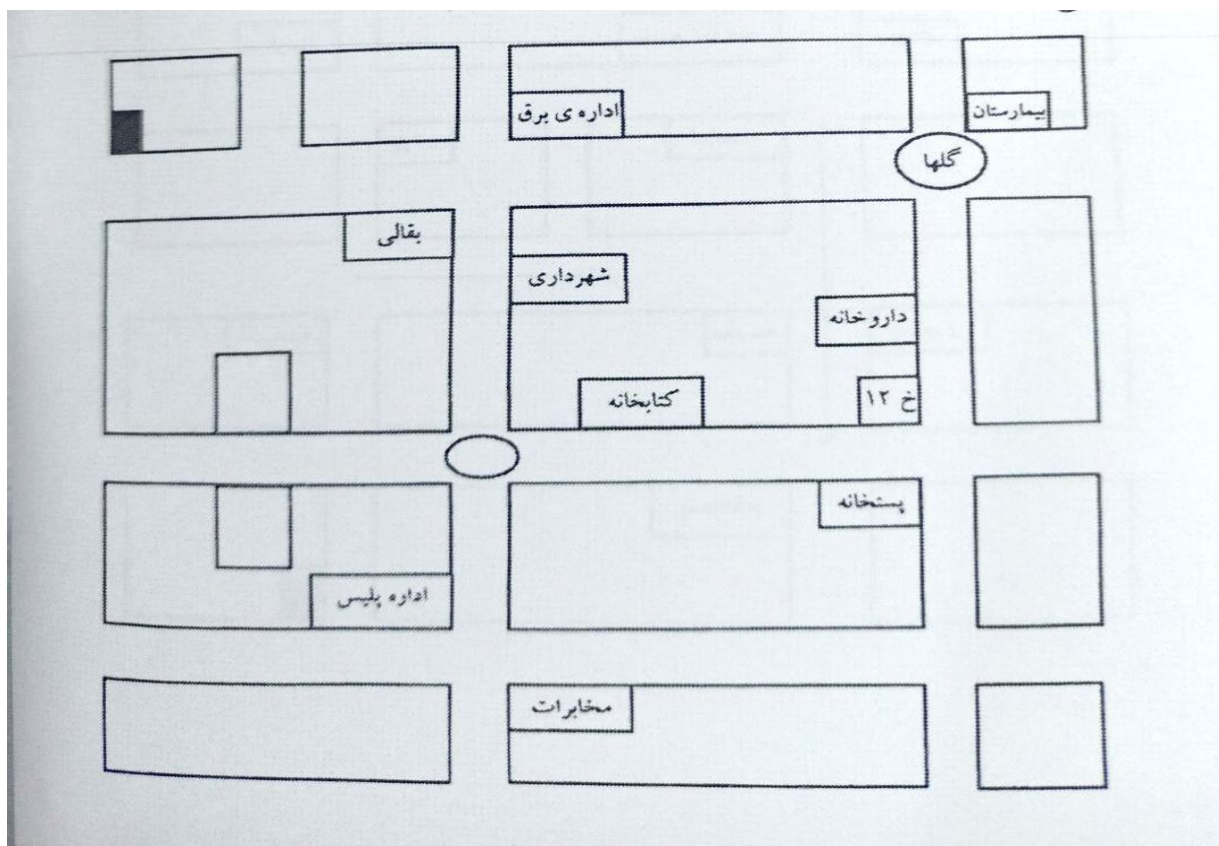
نقشه ی ۱



## نقشه ی ۲:



## نقشه ی ۳:





ب- متن هارا دوباره بشنوید و جاهای خالی را پر کنید.

متن ۱:

علی ساعت ۶/۵ ..... بیرون آمد و تا سر ..... پیاده رفت.  
بعد از خیابان عبور کرد و منتظر ..... شد. بعد از چند دقیقه  
تاکسی سوار شد و روبه روی ..... از تاکسی پیاده شد. او به  
سمت ..... خیابان خیام رفت تا به ..... رسید. وارد مدرسه شد  
و تا ساعت ۱۲ در مدرسه ماند. ساعت ۱۲/۵ به ..... مقابل  
مدرسه رفت و در آنجا ناهار خورد. بعد از ناهار به طرف کتابخانه  
رفت و تا ساعت ۳ در آنجا ..... کرد. بعد از کتابخانه خارج شد  
و به دانشگاه ..... تا پدرش را ببیند. پدر علی در دانشگاه  
..... می کند. ساعت ۴ علی و ..... از دانشگاه ..... و  
به طرف سوپر مارکت روبه روی دانشگاه رفتند و از آنجا کمی  
..... کردند. بعد تا پارک قدم زدند. نیم ساعت داخل پارک

..... و از آنجا سوار ماشین شدند و مقابل ..... پیاده شدند و  
به منزل رفتند.

## متن ۲:

خانه ی مریم در خیابان یاس ..... او ساعت ۸ از خانه .....  
و سوار ..... شد. تاکسی از میدان گل ها ..... و مریم رو به  
روی داروخانه ..... به ..... رفت و دارو خرید. بعد به  
کتابخانه ی ..... رفت و یک کتاب گرفت. بعد سوار تاکسی شد و  
تا ..... رفت. از میدان درختی به سمت پایین رفت تا به مدرسه  
رسید. .... در مدرسه بود، بعد روبه روی مدرسه .....  
شد و تا میدان درختی رفت. از آنجا به سمت ..... رفت و تا  
پستخانه پیاده رفت.

### متن ۳:

مریم صبح از خانه بیرون آمد و ..... تا سر کوچه رفت. بعد از مغازه ی سر کوچه ..... خرید و به راهش ..... او خیلی کار داشت. باید به داروخانه می رفت و داروهای ..... را می خرید؛ به همین دلیل روبه روی اداره ی برق ..... تا سوار ماشین شود. به اولین ماشینی که ..... گفت: مستقیم و سوار شد. میدان گلها از ماشین پیاده شد و به طرف داروخانه رفت. بعد به ..... که سر چهارراه ..... بود رفت و نامه ای را که برای دوستش نوشته بود پست کرد. یک دفعه ..... آمد که کاری در شهرداری دارد. به طرف پایین خیابان دوازدهم شروع به ..... . سر راهش از جلوی کتابخانه ..... فکر کرد حالا که اینجا هستم یک کتاب هم از کتابخانه بگیرم و مطالعه کنم. وقتی از کتابخانه ..... به ساعتش نگاه کرد و دید که خیلی ..... شده. با عجله و بدو بدو به سمت

شهر داری رفت و کارش را ..... اما هنوز یک کار دیگر باقی مانده بود. باید به اداره ی مخابرات ..... و به دختر عمه اش که در شهرستان زندگی می کرد تلفن می زد. مخابرات خیلی ..... بود و مجبور بود که ماشین سوار شود. .... راه سوار ماشین شد و ..... اداره ی مخابرات پیاده شد. اما از اینکه کارش ..... از چهارراه رد شد و روبه روی اداره ی پلیس سوار ماشین شد و رو به روی اداره ی برق ..... و تا منزل پیاده رفت.

پ- با توجه به آنچه می شنوید، شماره ی مناسب را در کنار اسم ها

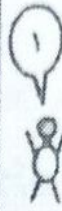
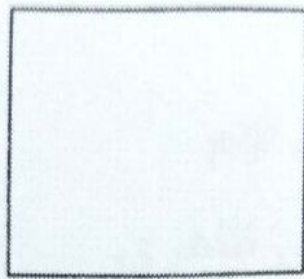
بنویسید:

مصطفی  شادی

شبم  امید

داوود  رویا

زهرة



رستوران

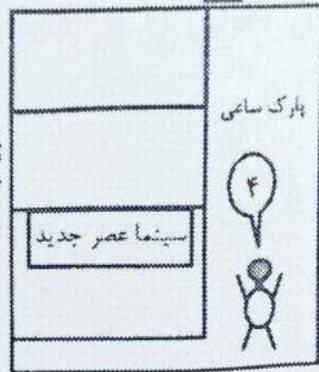


ایستگاه اتوبوس

خیابان طالقانی

انقلاب

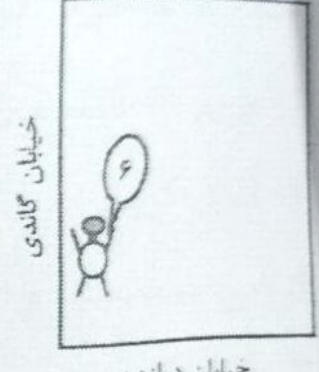
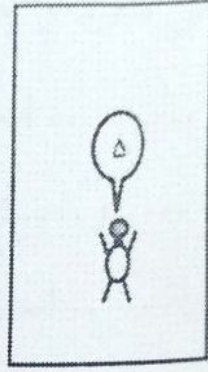
توحید



پارک ساعی

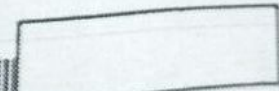
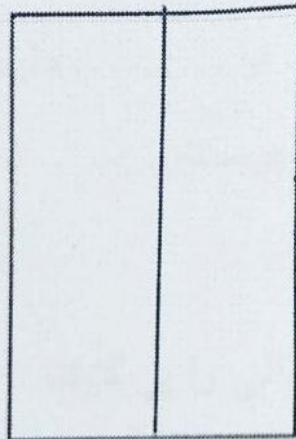
بزرگراه همت

خیابان ساعی

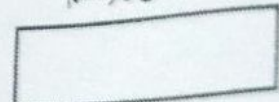


خیابان گاندی

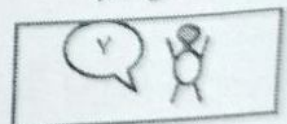
خیابان دوازدهم



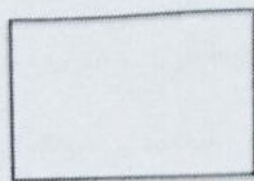
خیابان یازدهم



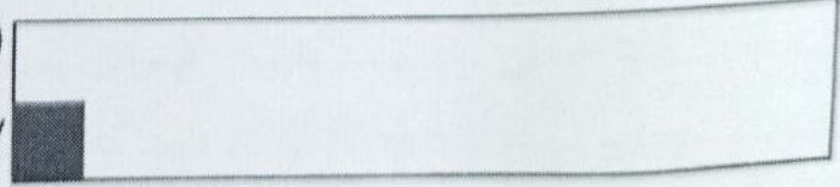
خیابان دهم



خیابان نهم



خیابان لاله



## درس هشتم: ویژگی های ظاهری

الف - به گفتگوها گوش دهید و جاهای خالی را پر کنید.

۱- مریم ..... و ..... است.

۲- آقای کریمی ..... و ..... است و ..... دارد. موهای

آقای کریمی ..... و ..... است.

۳- آرزو ..... و ..... است. مادرش ..... و .....

است.

۴- برادر مژگان اسمش ..... است. او ..... دارد.

۵- محمد چشم های ..... دارد و پوستش ..... است؛ اما

پدرش ..... و ..... دارد.

ب- به متن ها گوش دهید و جاهای خالی را پر کنید.

۱- کیوان و کامران ..... . کیوان ..... سال ..... کامران

..... آنها خیلی ..... دارند. کیوان ..... پوستش .....

است و موهای ..... و ..... دارد. کامران ..... است و

موهای ..... دارد. کیوان به ..... علاقه دارد اما کامران به

..... علاقه دارد. کامران ..... است چون ..... نمی کند

ولی کیوان ..... دارد، چون ورزشکار است.

۲- مریم از برادرش ..... است. برادرش ..... سال از او

..... است. مریم ..... است، چون ..... نمی

کند؛ اما برادرش ..... است نه ..... ونه ..... است؛ چون

..... نمی کند.

## درس نهم: جدول

پاسخ سؤال هایی را که می شنوید در جدول بنویسید.

جدول ۱:

The image shows a crossword puzzle grid on graph paper. The grid consists of 20 numbered squares, arranged in a pattern that allows for both horizontal and vertical answers. The numbers are as follows:

1																			
2																			
3																			
4																			
5																			
6																			
7																			
8																			
9																			
10																			
11																			
12																			
13																			
14																			
15																			
16																			
17																			
18																			
19																			
20																			



جدول ۲:

						۱
						۲
						۳
						۴
						۵
						۶
						۷
						۸
						۹
						۱۰
						۱۱
						۱۲
						۱۳
						۱۴
						۱۵
						۱۶
						۱۷
						۱۸
						۱۹
						۲۰

## جدول ۳:

						۱
						۲
						۳
						۴
						۵
						۶
						۷
						۹
						۱۰
						۱۱
						۱۲
						۱۳
						۱۴
						۱۵
						۱۶
						۱۷
						۱۸
						۱۹
						۲۰
						۲۱
						۲۲
						۲۳
						۲۴
						۲۵
						۲۷
						۲۸
						۲۹
						۳۰
						۳۱

## درس دهم: آدرس

الف - به متنها گوش دهید و بگویید هر کدام از این مکان ها کجاست.

۱ - اتاق دکتر رسولی:

۲ - مدرسه ی بوعلی:

۳ - اداره ی گذرنامه:

۴ - اداره ی پست:

۵ - بیمارستان میلاد:

۶ - کتابفروشی فردوسی:

۷ - رستوران بوف:

ب- به گفتگوها گوش دهید و با گذاشتن شماره ی مناسب، مشخص

کنید مکان هریک کجاست.

دانشگاه       داروخانه

کتابخانه  سینما

پستخانه  بانک

تاکسی  خانه

فروشگاه لباس

پ- با کمک متنی که می شنوید در جدول زیر را کامل کنید.

برنامه ی همایش

چهار شنبه

برنامه	ساعت
شروع	.....
دکتر .....	.....
.....	۹:۳۰
.....	۱۰

.....	.....
.....	.....
.....	.....
.....	٤
.....	٦-٥:٣٠

### پنج شنبه

برنامه	ساعت
.....	.....
.....	.....
.....	٢-١٢
.....	٢
.....	.....

## درس یازدهم: پرسش و پاسخ

پاسخ های مناسب سؤال هایی را که می شنوید مشخص کنید.

بخش اول:

نه، یک هفته در میون می ریم.

تهران زندگی می کنم.

یه سریال پلیسی داره.

مواد غذایی می فروشم.

چهار ساله درس می دم.

ده سال پیش رفتم.

خوب معلومه تابستون.

هر دو قشنگه.

به نظر من هوای سرد بهتره.

بد نیست.

رنگ زرد رو دوست دارم.

فیلم های سینمایی رو بیشتر نگاه می کنم.

اون استاد دانشگاه است.

آخه این رنگ رو دوست دارم.

خبرهای سیاسی رو بیشتر گوش میدم.

آره. کرم رنگه.

پاییز.

بخش دوم:

نه بابا، دیگه بزرگ شده.

دوستم سال ۵۶ متولد شده.

آره بابا، خیلی بزرگتره.

من چهار سال ازش بزرگترم.

نه دیگه، ۲۰ سالمه. جوون شدم (شده ام).

مهر.

خواهرم متولد شصت و هفته.

نه دیگه، پیر شده.

بیست و شش.

شش سال ازم بزرگتره.



## درس دوازدهم: خرید

الف - بشنوید و جدول را کامل کنید.

اجناس	قیمت ها
شلوار جین	
شلوار پارچه	
پیراهن ساده	
پیراهن راه راه سفید مشکی	
پیراهن چهارخونه	

ب - به گفتگو گوش دهید و جدول را کامل کنید.

اجناس	قیمت ها
	۸۰۰۰ تومان
	۴۵۰۰ تومان

۱۲۰۰۰ تومان	
۷۵۰۰ تومان	
۳۰۰۰ تومان	
۵۰۰۰ تومان	
۵۰۰۰ تومان	
۲۷۰۰ تومان	
۶۳۰۰ تومان	
۳۲۰۰ تومان	

## درس سیزدهم: کلمات پرسشی (۱)

الف - به گفتگوها گوش دهید و جمله ها را کامل کنید.

۱- محسن دیروز ..... دانشگاه با ..... ..

..... و به ..... رفت.

۲- اکرم، تابستان به ..... رفت.

۳- پدر حسین در یک ..... در ..... کار می کند.

۴- زهراء ..... مصطفی را در ..... دید.

۵- رستوران نور ..... است.

۶- عینک پدر ..... است.

۷- آقای کریمی در ..... پاسداران ..

۸- کلاس انگلیسی در ..... است.

۹- مادر احسان در ..... است.

۱۰- کتاب زبان احمد در ..... است.

ب- به گفتگوها گوش دهید و جمله ها را کامل کنید.

۱- محمد..... امتحان ..... داد. امتحان ..... .

- تولد ..... دو ..... حسین .

به آنجا ..... چون خیلی ..... .

۳- استاد، نیم ساعت ..... به کلاس .....

- حسن ..... به محمد ..... اما محمد ..... .

۴- علی ..... خود را ۲ ماه ..... .

۵- مزگان وقتی ..... دستهایش را ..... .

- احمد وقتی ..... تکلیف هایش را

.....

۸- فرشته دو ماه ..... برای ..... هدیه ..... .

۹- رضا دیشب بعد از رفتن ..... .

۱۰- محمود دیروز ..... با ..... به سینما ..... .



## درس چهاردهم: کلمات پرسشی (۲)

الف - به گفتگوها گوش دهید و جمله ها را کامل کنید. (کی / با کی)

۱- احمد دیروز ..... را از روی ..... و

آن را .....

۲- حسین خودکار علی را از ..... برداشت. الان خودکار

.....

۳- دیشب ..... به ..... تلفن کرد و گفت: .....

۴- مهدی دیروز ..... به تهران .....

۵- مرجان همیشه ..... به ..... می رود.

۶- مینا ..... تلفنی با ..... مریم صحبت کرد.

ب- به گفتگوها گوش دهید و جمله ها را کامل کنید. (هر چند وقت)

۱- من ..... شیشه های ..... را تمیز می کنم.

۲- هفته ای سه روز .....

۳- ماهی ..... به ..... می روم.

۴- هر هفته .....

۵- سالی ..... یا .....

۶- نه، .....

۷- آره. من .....

پ- به گفتگوها گوش دهید و جمله ها را کامل کنید. (چی / با چی)

۱- مریم همیشه .....

۲- علی ناهار .....

۳- امید جواب .....

۴- احسان هفته ی پیش .....

۵- رضا سوپ را .....

۶- امید با .....

ت- به گفتگوها گوش دهید و جمله ها را کامل کنید. (چه طور / چه

جوری)

۱- آقای احمدی ..... در ایران ..... و زبان فارسی را

.....

۲- حسین معمولاً ..... به دانشگاه ..... .

۳- عباس در ..... با محسن ..... .

۴- به نظر زهرا غذا ..... نیست، ..... است.



## درس پانزدهم: ورزش

الف - به گفتگوها گوش دهید و جمله ها را کامل کنید.

گفتگوی ۱:

محمد: علی تو .....؟

علی: .....

م: آخه بدنت .....

ع: آره من ..... تمرین می کنم.

م: ..... می روی؟

ع: نه خودم .....

م: هفته ای .....؟

ع: من ..... صبح ها ..... بعضی روزها هم تو خونه .....

م: خیلی .....

ع: جمعه ها هم حتماً می روم ..... یا ..... یا با بچه ها  
.....

من: تو خیلی ..... .

ع: تو .....؟

م: من تازه ورزش رو ..... باشگاه می روم. .... کمی برام  
.....

ع: خوبه. کم کم ..... .

گفتگوی ۲:

رضا: احمد تو چه ورزشی ..... دوست داری؟

احمد: من ..... فوتبال هستم.

ر: بازی کردنش یا ..... .

ا: خوب هر دو، ولی بیشتر تماشا می کنم. ....؟

ر: من ..... رو زیاد دوست ندارم. ورزش های ..... را ترجیح

می دم.

ا: مثلاً چه ورزشی؟

ر: مثلاً .....، مثل کاراته، بوکس

ا: واقعاً. این ورزش ها خیلی .....، محمد!

ر: من فکر می کنم از فوتبال ..... نیست.

ا: تو ..... فکر می کنی.

ر: خوب آره، در ضمن ورزش بسیار ..... در مقایسه با خیلی

ورزش های دیگه.

ا: آره خوب مثلاً اسکی و ..... ورزش های گرانی هستند.

ر: تازه ..... خاصی هم نمی خواد. .... می تونی ورزش

کنی.

ا: منظورت .....؟

ر: منظورم اینه که برای ورزشی مثل شنا ..... استخر باشد، نه؟!!

ا: آره دیگه.

ب - دوباره به گفتگوها گوش دهید و متن های زیر را کامل کنید.

متن ۱:

علی بدن ..... دارد، چون ..... می کند. او ..... صبح ها

..... و آخر هفته ها هم به ..... یا ..... می رود.

محمد تازه ..... و به ..... می رود. تمرین کردن برای محمد

..... است.

متن ۲:

احمد عاشق فوتبال است. او هم ..... و هم ..... فوتبال را

دوست دارد ولی بیشتر ..... به نظر احمد ورزش های رزمی

..... و ..... است. او فکر می کند اسکی و .....

ورزشهای ..... هستند.

رضا به ورزش های ..... علاقه ندارد. او ورزش های ..... را  
..... به نظر او ورزش های رزمی از فوتبال ..... نیست. و  
در ضمن او فکر می کند این ورزش ها هم ..... هستند و هم  
..... نمی خواهد یعنی ..... می توان ورزش کرد ولی برای  
ورزشی مثل شنا .....

## درس شانزدهم: اشتباه شنیدن

الف - جمله های درست و نادرست را مشخص کنید.

متن ۱:

- کیهان به کیوان زنگ زد.
- کیوان امیر را به مهمانی دعوت کرد.
- مهمانی ساعت ۲ است.
- تولد بهرام روز جمعه است.
- پدر کیهان مریض بود.
- کیوان مهمان دارد.
- امیر به کیوان گفت: آخر هفته به بهرام زنگ بزن.

متن ۲:

کلاس فیزیک .....

- قبلاً ساعت ۲ بود.

الان دوشنبه است

ساعت ۹ روزهای سه شنبه است.

روزهای دوشنبه ساعت ۲ است.

روزهای سه شنبه است.

**متن ۳:**

مژگان امروز زهرا را دید

مژگان به زهرا زنگ زد.

زهرا به دیدن مژگان رفت.

**متن ۴:**

کتاب علی پیش محمد است.

محمد پیش رضا بود.

دیروز رضا علی را دید.

کتاب رضا پیش علی بود.

کتاب محمد پیش رضا است.

دیروز علی پیش رضا بود.

رضا کتاب را از علی گرفت.

**متن ۵:**

خانه ی فرشته ..... است.

بالای میدان ولیعصر

پایین میدان ونک

سومین خیابون سمت راست میدان ولیعصر

اولین خیابون سمت راست میدان ونک



## درس هفدهم: در دسر

### بخش اول: گم کردن

گزینه های درست را انتخاب کنید.

#### متن الف-

یک ..... پیدا شده است.

۱- کیف پول چرمی      ۲- دسته کلید

۳- کیف خالی      ۴- عینک و دسته کلید

#### متن ب-

یک کت روی صندلی است.       محمد کت را برده .

کت علی قهوه ای است.       علی کت خودش را برده

#### متن پ-

در خانه را قفل نکرده چون کلید گم شده بود.

کلید در خانه جا مانده بود.

تمام راه را به دنبال کلید گشت.

آقای امیری کلید را برداشته بود.

کلید را در اتاق آقای امیری جا گذاشته بود.

### بخش دوم: بیماری

الف - با توجه به گفتگویی که می شنوید جمله های زیر را کامل

کنید.

علی مادرش را ..... چون ..... درد می کرد. دکتر گفت باید

..... علی می خواهد. مادرش ..... بشود تا .....

بشود. مادر علی ..... است. و ..... دارد و ..... وزن

هم دارد. علی می گوید مادرش باید ..... بدهد تا معلوم شود

..... و ..... چطور است.

ب- با توجه به گفتگوهایی که می شنوید شماره ی مناسب را داخل

مربع ها بنویسید.

۱- سرم خیلی درد می کنه.  آب نمک قرقره کن.

۲- فکر کنم دارم سرما می خورم.  پماد بزن.

۳- سرفه هام قطع نمی شه.  مسکن بخور.

۴- دل پیچه دارم.  شاید آنفلوانزا باشه.

۵- مچم پیچ خورده.  آب قند بخور.

۶- تب و لرز دارم.  قرص سرماخوردگی بخور.

۷- صورتم کبود شده.  پاشو بریم دکتر.

۸- گلوم می سوزه.  کمپرس آب سرد خوبه.

۹- سرم گیج می ره.  شربت بخور.

۱۰- حالت تهوع دارم.  حتماً مسموم شدی.

## بخش سوم: تصادف

با توجه به صحبت هایی که درباره ی حادثه تصادف شنیدید، جمله

های درست را با حرف «د» و جمله های نادرست را با حرف «ن»

مشخص کنید.

هنگام تصادف .....

علی:

کنار پنجره بود.

راننده ی موتور را دید.

پنجره اتاقش بسته بود.

زهرا:

روی صندلی جلویی اتوبوس نشسته بود.

از جلسه ی امتحان برمی گشت.

اتوبوسی که سوارش بود قبل از چهارراه ترمز کرد.

تصادف بعداز ظهر بود.

**فاطمه:**

سوار تاکسی بود.

پسر موتورسوار را دید.

دید که راننده ی پژوی سفید ناگهان ترمز کرد.

**رضا:**

داخل مغازه اش بود.

موتورسوار را دید.

در محل تصادف بود.

## درس هجدهم: گفتگو (۱)

الف - با توجه به گفتگوهایی که می شنوید جاهای خالی را پر کنید.

۱- پرواز ساعت ..... است و او ..... زودتر به فرودگاه می

رود. او بلیت ..... نگرفته چون .....

۲- فردا ..... تهران؟

- ..... ساعت ۱۰ دانشگاه ..... چه ساعتی

.....؟

- خوب با چی .....؟

- نمی دونم ..... اتوبوس بهتر از تاکسی است. هم ..... و

هم .....

- خوب آره. ولی .....

- چقدر .....؟

- ..... نیم ساعت.

- خوب ..... نیم ساعت زودتر ..... .

- ..... چقدر .....؟

- خوب ..... ساعت تا میدون آزادی ..... از اونجا هم

..... طول می کشه تا .....

- خوب یک ربع هم از ..... تا ..... می کشد.

- ..... اتوبوس را هم ..... چون ..... تا .....

- پس باید ..... تا ..... برسم.

- آره خوب. .... بری .....

۳- ببخشید ..... به ایستگاه جمالزاده .....؟

- جمالزاده؟! ..... جمالزاده .....؟

- ا. یعنی از سر جمالزاده .....؟

- نه.

- پس اشتباه ..... باید این ایستگاه .....

- اینجا ..... دو تا ایستگاه بعد ..... اونجا .....

با یک تاکسی ..... جمالزاده.

- ممنون از .....

- خواهش می کنم.

ب- با توجه به گفتگویی که می شنوید جمله های زیر را کامل کنید.

۱- امید به همراه ..... با ..... آخر هفته به ..... می

روند. اما علی برنامه ..... برای تعطیلات ..... شاید او

..... اما اگر نرود می تواند .....

۲- کشور ما ..... زمستان ها هوای ..... سردی دارد. همه

چیز ..... زمستان زیباست، ولی ..... در هوای سرد مشکل

است.

۳- کشور ما ..... است بیشتر مواقع هوا ..... است. فقط در

..... می آید. کشور ما ..... است.



۴- ما ..... زندگی می‌کنیم. تابستان‌ها هوا ..... است.

زمستان هم ممکن است .....

## درس نوزدهم: گفتگو (۲)

الف - با توجه به گفتگویی که می شنوید جمله های درست و

نادرست را مشخص کنید.

محسن نگران بود.

محسن نمی توانست تصمیم بگیرد.

محسن کارش را دوست دارد.

محمد به محسن پیشنهاد یک کار جدید داد.

محسن از کار جدید می ترسد.

محمد به محسن گفت زود تصمیم بگیرد.

محسن از امروز کار جدید را شروع می کند.

محمد دو هفته به محسن فرصت می دهد.

با توجه به گفتگویی که می شنوید. گزینه های مناسب را انتخاب

کنید.

حسین .....

دنبال کار می گردد.

استخدام شده.

می خواهد در روزنامه کار کند.

دانشجو است.

مصاحبه رفته است.

پ- به گفتگوها گوش کنید و گزینه های درست را انتخاب کنید.

-۱

مهمان از غذا خوشش نمی آمد.

مهمان می خواست چند کیلو وزنش اضافه شود.

میزبان رژیم غذایی داشت.

مهمان کم غذا ریخت.

-۲

مدت قرارداد اجاره ی خانه تمام شده بود.

آنها از خانه ی اجاره ای راضی بودند.

وام مسکن چند ماه بعد آماده می شد.

اجاره ی آپارتمان کوچک ماهی چهار تومان بود.

ت- به گفتگو گوش کنید و جمله های درست و نادرست را مشخص کنید.

۱- هر دو نفر .....

با هم به خرید رفتند.

برای ورزش بیرون رفتند.

بعد از کلی خرید به خانه آمدند.

۲- آنها در باره ی ..... صحبت می کردند.

برنامه های علمی.

تفاوت های خودشان.

عوض کردن کانال تلویزیون.

۳- او ..... .

حتما با آنها می رود.

نمی تواند با آنها برود.

۴- پنجره ..... .

باز است.

بسته است.

بسته می ماند.

باز می شود.

۵- یعنی ..... .

باید زود برویم.

بهتر است زود نرویم.

۶- او .....

کتاب را این هفته پس می دهد.

کتاب را باز هم نگه می دارد.



## بخش دوم گفتگوها





## احوال پرسى

سلام

سلام

حال شما خوب است؟

الحمد لله خوب . شما چطور هستيد؟

خوبم، متشكرم. اسم شما چيست؟

اسم من حسين است. اسم شما چيست؟

اسم من محمود است، خدا حافظ.

خدا حافظ شما.

العامية:

سلام

سلام

حال شما خوبه؟

الحمد لله خوبم. شما چطوری؟

خوبم، متشکرم. اسم شما چیه؟

اسم من حسینیه. اسم شما چیه؟

اسم من محموده، خدا حافظ

خدا حافظ شما.

## شغل

سلام

سلام علیکم

صبح شما بخیر

صبح شما هم بخیر

شما خوب هستید؟

خویم، ممنون. شما چطور هستید؟

من هم خویم. اسم شما چیست؟

اسم من زینب است. اسم شما چیست؟

اسم من مریم است. شما استاد هستید؟

بله، استاد هستم. شما چکاره هستید؟

من دانشجو هستم.

خدا حافظ.

به سلامت.

العامية:

سلام

سلام عليكم

صبح شما بخير

صبح شما هم بخير

شما خوبید؟

خوبم، ممنون. شما چطوری؟

من هم خوبم. اسم شما چیه؟

اسم من زینبه. اسم شما چیه؟

اسم من مریمه. شما استادی؟

بله، استادم. شما چکاره ایی؟

من دانشجو ام.

خدا حافظ.

به سلامت.

نام کشور (اهل کجايي)

سلام

سلام

تو چطور هستی؟

خوبم

شما چطور هستید؟

من هم خوبم. اسم شما چی است؟

اسم من محمد است، اسم شما چیست؟

اسم من صادق است، شما چه کار هستید؟

من تاجر هستم. شما چه کار هستید؟

من استاد هستم. تو اهل کجا هستی؟

مراکش. شما اهل کجا هستید؟

پاکستان



خدا نگهدار

خدا نگهدار شما

العامية:

سلام

سلام

چطوری؟

خوبم

شما چطوری؟

من هم خوبم. اسم شما چیه؟

اسم من محمدہ، اسم شما چیه؟

اسم من صادقہ. چی کارہ ای؟

تاجرم. شما چی کارہ ای؟

من استادم. اهل کجایی؟

مراکش. شما اهل کجایی؟

باکستان

خدا نگهدار

خدا نگهدار شما

## مکان زندگی

سلام

سلام

عصر تان بخیر (عصر شما بخیر).

عصر شما هم بخیر

حالتان چطور است؟ (حال شما چطور است؟).

بد نیستم. شما خوب هستید؟

خوبم. متشکرم. اسم شما چیست؟

اسم من اکبر است. اسم شما چیست؟

اسم من مجید است. اسم کشور شما چیست؟

اسم کشور من تایلند است. اسم کشور شما چیست؟

اسم کشور من ترکیه هست. تو چه کار هستی؟

من بزشک هستم. شما چه کار هستید؟

من استاد هستم. کاری نداری؟

نه ، ممنون

خدا حافظ

خدا حافظ شما.

العامية:

سلام

سلام

عصرتون بخير

عصر شما هم بخير

حالتون چطوره؟

بد نيستم شما خوبي؟

خوبم. متشكرم. اسم شما چيه؟

اسم من اكبره. اسم شما چيه؟

اسم من مجيده. اسم کشور شما چيه؟

تاينند. اسم کشور شما چيه؟

ترکيه. چي کاره اي؟

بزشکم. شما چي کاره اي؟

من استادم. کاری نداری؟

نه ، ممنون

خدا حافظ

خدا حافظ شما.

## سن و سال

سلام

سلام علیکم

شما خوب هستید؟ (شما خوبی؟)

بله من خوبم. شما خوب هستید؟ (تو خوب هستی؟) (تو خوبی؟)

الحمد لله خوبم. اسم شما چیست؟

اسم من فاطمه است. اسم شما چیست؟

اسم من سمیرا است. شما چند سال دارید؟ (چند سالته؟)

من بیست و سه سال دارم ( من بیست و سه ساله هستم). شما چند

سال دارید؟

من سی سال دارم (من سی ساله هستم). شما از کجا آمدید؟

من از هند آمدم. شما از کجا آمدید؟

من از چین آمدم. شما چکاره هستید؟



من مدیر مدرسه هستم. شما چکاره هستید؟

من استاد دانشگاه هستم.

موفق باشید

موفق باشید

ممنون . خدا حافظ

خدا حافظ

العامية:

سلام

سلام عليكم

خوبی؟

بله خوبم . شما خوبی؟

الحمد لله خوبم . اسم شما چیه؟

فاطمه . اسم شما چیه؟

سمیرا . چند سال داری؟

بیست و سه سال . شما چند سال داری؟

سی سال . از کجا آمدی؟

از هند . شما از کجا آمدی؟

از چین . چکاره ای؟

مدیر مدرسه . شما چکاره ای؟

استاد دانشگاهم . (استاد دانشگاه)

موفق باشین

موفق باشید

ممنون . خدا حافظ

خدا حافظ

## خرید

سلام.

صبح تان بخیر.

صبح شما هم بخیر.

شما خوب هستید؟

خوب الحمدلله. شما چطور هستید؟

من هم خوبم.

شما کجا بودید؟ (تو کجا بودی)؟

من به بازار رفته بودم.

شما چی خریدید؟ (تو چی خریدی)؟

من سبزی و میوه خریدم.

شما کجا بودید؟ (تو کجا بودی)؟

من به بازار رفته بودم.

شما چه خریدید؟ (تو چه خریدی؟).

یک لباس زمستانی خریدم.

مبارک است.

متشکرم.

شما کاری ندارید؟ (تو کاری نداری؟)

نه ممنون.

خدا حافظ.

به سلامت.

العامية:

سلام.

صباحتون بخير.

صبح شما هم بخير.

خوبين؟

خوبم الحمدلله. شما چطوري؟

من هم خوبم.

كجا بودى؟

بازار.

چى خريدى؟

سبزی و میوه.

كجا بودى؟

بازار بودم.

چی خریدی؟

یه لباس زمستون خریدم.

مبارکه.

متشکرم.

کاری نداری؟

نه ممنون.

خدا حافظ.

به سلامت.

## مدرسه

سلام.

سلام علیکم.

شبستان بخیر.

شب شما هم بخیر.

شما چطور هستید؟

من خوب هستم، الحمد لله.

شما چطور هستید؟

من خوب هستم، ممنون.

آقا مسعود، کجا بودی؟

من در کتابخانه بودم.

در کتابخانه چه خواندی؟

کتاب فارسی خواندم.

چند ساعت کتاب خواندی؟



دو ساعت کتاب خواندم.

شما کجا بودید؟

من توی مدرسه بودم.

کدام مدرسه؟

مدرسه ی المهدی.

کلاس چندمی؟

کلاس دوم.

چند تا استاد داری؟

دو تا استاد دارم.

اسم استادتان چیست؟

اسم استادهای من آقای محمودی و آقای احمدی است.

موفق باشید.

ممنون.

خدا حافظ.

بسلامت.

العامية:

سلام.

سلام عليكم.

شبتون بخير.

شب شما هم بخير.

چطوری؟

خوبم الحمدلله.

شما چطوری؟

خوبم ممنون.

آقا مسعود، کجا بودی؟

کتابخونه.

توی کتابخانه چی خواندی؟

کتاب فارسی خواندم.

چند ساعت کتاب خواندی؟

دو ساعت.

شما کجا بودی؟

مدرسه.

کدام مدرسه؟

مدرسه ی المهدی.

کلاس چندمی؟

کلاس دوم.

چند تا استاد داری؟

دو تا استاد.

اسم استادتون چیه؟

اقای محمودی و اقای احمدی.

موفق باشید.

ممنون.

خدا حافظ.

بسلامت.

## آدرس منزل

سلام، عصرتون بخیر

سلام عصر شما هم بخیر.

شما خوب هستید؟

ممنون خوبم، شما چطور هستید؟

خوبم الحمد لله.

چه هوای خوبی است.

بله خیلی خوب است.

طاهره خانم. کجا میروی؟

میروم خانه.

خانه ی شما کجا است ؟

خانه ی من در خیابان امام است.

خانه ی شما کجاست؟

خانه ی من در پردیسان است.

کجای پردیسان؟

شهرک حافظ ، خیابان سعدی، طبقه دوم، پلاک بیست.

بیفرما خانه (بفرمایید خانه).

من از شما ممنون هستم.

خدا حافظ شما.

خدا نگهدار شما.

العامية:

سلام، عصرتون بخير

سلام عصرتون هم بخير.

خوبين؟

ممنون خوبم، شما چطوري؟

خوبم الحمد لله.

چه هواي خوبيه.

بله خيلي خوبه.

طاهره خانم. كجا ميرى؟

ميرم خونه.

خونه شما كجاست؟

خيابون امام.

خونه شما كجاست؟



پرديسانه.

كجای پرديسان؟

شهرک حافظ، خیابان سعدی، طبقه دوم، پلاک بیست.

بفرما خونه.

ممنون.

خدا حافظ.

خدا نگهدار.

## گفتگو ۱

علي: صبح بخير محمد.

محمد: صبح بخير، ساعت چند است؟

علي: هفت است.

محمد: ساعت هفت است؟

علي: آري خيلي دير است.

سعید: سلام صبح بخير.

علي: صبح بخير، امروز صبح تو کلاس داري؟

سعید: بله ساعت ۸.

محمد: سعید! تو با اتوبوس به دانشگاه مي روي؟

سعید: نه دانشکده نزديک است . من پياده مي روم.

محمد: علی! تو هم پياده به دانشگاه مي روي؟

علي: نه، من با اتوبوس به دانشگاه مي روم.

محمد: من هم با اتوبوس به دانشگاه مي روم.

علي: پس عجله كن، اتوبوس ساعت هفت ونيم مي رود.

محمد: باشد. خداحافظ سعيد.

علي: خداحافظ.

سعيد: به سلامت.

## گفتگو ۲

سعید: محمد شما امروز بعد از ظهر به کجا می روید؟

محمد: به فروشگاه می رویم.

سعید: به کدام فروشگاه می روید؟ به فروشگاه کتاب می روید؟

محمد: نه. ما به کتاب فروشی نمی رویم. ما به سوپر مارکت می

رویم. تو چیزی لازم داری؟

سعید: آری. فکر می کنم چند تخم مرغ و یک بسته پنیر لازم دارم.

محمد: باشد. من برایت می خرم.

سعید: خیلی ممنون. زحمت می کشی.

## در سوپر مارکت

فروشنده: بفرمائید، چه می خواهید؟

محمد: ما يك ظرف ماست، دو بسته کره و يك نوشابه می خواهیم.

علی: سه عدد صابون، يك شامپو و دو کنسرو ماهی هم لازم داریم.

فروشنده: دیگر چه؟ نان هم آنجاست. نان می خواهید؟

علی: خیر، ممنون. يك شیشه آبلیمو و دو بطری شیر هم بدهید.

محمد: راستی، سعید هم چند تا تخم مرغ و يك بسته پنیر می خواهد.

علی! ما برنج و روغن داریم؟

علی: بله. کمی برنج داریم، اما روغن نداریم.

محمد: پس آقا لطفاً تخم مرغ، پنیر و روغن هم به ما بدهید.

## هتل لاله

مرد: سلام آقا. ببخشید، هتل لاله کجاست؟

محمد: هتل لاله؟

مرد: بله، هتل لاله.

محمد: هتل کمی جلوتر، روبروی بانک ملی است.

مرد: روبروی بانک ملی؟

محمد: بله، کنار هتل يك پارک بزرگ هم هست.

مرد: متشکرم.

محمد: خواهش می کنم.

## کتابفروشی

محمد: سلام آقا. من چند کتاب تاریخی می خواهم.

فروشنده: سلام. سمت راست. آنجا..

محمد: کتابهای ادبیات چه؟

فروشنده: کتابهای ادبیات هم کنار کتابهای تاریخی است، آن گوشه...

محمد: بله. دیدم.

فروشنده: چه کتابی می خواهی؟

محمد: دو کتاب در مورد تاریخ ایران و يك کتاب ادبی درباره زندگی

سعدی.

فروشنده: کتابهای زیادی در مورد این دو موضوع داریم. بفرمائید،

ببینید...

محمد: متشکرم.

## در فروشگاه ساعت

محمود: ببخشید آقا، این ساعت چند است؟

فروشنده: کدام ساعت؟

محمود: این ساعت طلایی.

فروشنده: قیمت این ساعت ۴۰ هزار تومان است.

محمود: اوه.. گران است.

فروشنده: البته ساعت ارزان هم داریم. بفرمایید اینجا. این ساعت هم

جنس خوبی دارد و هم قیمت آن مناسب است.

محمود: قیمتش چند است؟

فروشنده: ۲۰ هزار تومان.

محمود: نه. متشکرم.



## تعطیلات

محمد: علی! تو در تعطیلات چه کار می کنی؟

علی: من در تهران نمی مانم. به شیراز می روم.

محمد: کی به شیراز می روی؟

علی: جمعه به شیراز می روم.

محمد: کی از شیراز به تهران می آیی؟

علی: فکر می کنم جمعه آینده به تهران می آیم.

محمد: پس تقریباً يك هفته در شیراز می مانی.

علی: بله. تو چه کار می کنی؟ به کشورت نمی روی؟

محمد: نه. نمی توانم. کار پیدا کردم. از فردا به سر کار می روم.

علی: جدی؟ چه کاری؟

محمد: من از فردا در دفتر روزنامه ترجمه می کنم.

علی: چه ترجمه می کنی؟

محمد: مقاله، مصاحبه، خبر... از عربی به فارسی ترجمه می کنم.

علی: عالی است. موفق باشی.

محمد: متشکرم.

## چایخانه

حمید: محمد! فردا با من به چایخانه می آیی؟

محمد: چایخانه؟

حمید: بله من یک چایخانه خوب می شناسم.

محمد: کجاست؟

حمید: نزدیک است. در خیابان بهار است.

محمد: آنجا فقط چای می نوشیم؟

حمید: نه غذا هم دارد. "دیزی".

محمد: "دیزی" چیست؟

حمید: "دیزی" یک غذای ایرانی است. گوشت گوسفند را با لوبیا ونخود

وپیاز می پزند. به آن آبگوشت هم می گویند.

محمد: غذاهای ایرانی خوشمزه است.

حمید: بله. دیزی هم خوشمزه است.

محمد: ساعت چند به چایخانه می رویم؟

حمید: من ساعت ۱۲ در میدان انقلاب منتظرت هستم.

محمد: خوب است، من هم ساعت ۱۲ به میدان انقلاب می آیم.

## در فروشگاه پوشاک

محمد: سلام آقا. من یک پیراهن می خواهم.

فروشنده: سلام. چه پیراهنی دوست داری؟

محمد: یک پیراهن مردانه، اندازه بزرگ.

فروشنده پیراهن را وای خُ وِت می خواهی؟ اندازه بزرگ بَ رَیِ تو

مناسب نیست.

محمد: نه. پیراهن را برای دوستم می خرم.

فروشنده: چه رنگی دوست داری؟

محمد: آبی یا سبز.

فروشنده: بفرما. این پیراهنها را ببین.

محمد: نه. نه. این رنگ خوب نیست. آبی کمرنگ بهتر است.

فروشنده: این پیراهن را می پسندی؟ دوستت پیراهن زرد می پوشد؟

محمد: نـمي دانم. فـكر مي كنم او پـيراهن زرد نـمي پوشد. هـمين پـيراهن

آبي خوب است.

## در پستخانه

محمد: ببخشید آقامن یک بسته ی پُستی دارم.

کارمند: بسته را به کجا می فرستی؟

محمد: آن را به ژاپن می فرستم.

کارمند: چه چیزی در این بسته است؟

محمد: سه کتاب.

کارمند: لطفاً بسته را باز کن. ما کتابها را در یک پاکت مخصوص می

گذاریم.

محمد: این کتابها کی به ژاپن می رسد؟

کارمند: با پُستِ عادی آن را می فرستی یا با پست پیشتاز؟

محمد: با پست عادی.

کارمند: با پست عادی بعد از سه هفته این بسته به ژاپن می رسد.

محمد: با پست پیشتاز چطور؟

کارمند: با پست پیشتاز کمتر از ده روز. لطفاً آدرس را اینجا بنویس.

محمد: بله. حتماً.



## در مطب پزشکی

محمد: سلام.

خانم دکتر: سلام. بفرما بنشین. چه شده است؟

محمد: از پریروز سرم درد می‌کند. حالت تهوع هم دارم.

خانم دکتر: آیا احساس سرگیجه هم می‌کنی؟

محمد: بله. گاهی احساس سرگیجه می‌کنم.

خانم دکتر: دهانت را باز کن تا زبانت را ببینم. آیا احساس دل درد هم

می‌کنی؟

محمد: نه احساس دل درد نمی‌کنم.

خانم دکتر: اجازه بده فشارخونت را اندازه بگیرم. لطفاً آستینت را بالا

بزن.

محمد: چشم. بفرما.

\*\*\*\*\*

خانم دڪٽر: فشار خونت عادي است. برايت يڪ بسته قرص، يڪ شربت و دو آمپول مي نويسم. بهتر است آزمايش خون بدهي. شايد چربي خون داشته باشي.

محمد: ڪي مي توانم آزمايش بدهم؟

خانم دڪٽر: فردا صبح قبل از صبحانه به آزمايشگاه برو.

محمد: خيلي ممنون. جواب آزمايش را در اولين فرصت خدمتتان مي آورم.

## تاکسي

محمد: الو، سلام. وقت بخير. من یک تاکسي مي خواهم.

کارمند: سلام. کجا مي روي؟

محمد: خیابان فردوسي.

کارمند: تو از مشترکين ما هستي؟

محمد: بله. من مشترک شماره ۲۵ هستم.

کارمند: ده دقیقه بعد تاکسي مي آيد.

محمد: آما من خیلی عجله دارم. دير شده.

کارمند: تاکسي زود مي آيد. خیابان فردوسي نزديک است.

محمد: خوب است. خداحافظ.

کارمند: خدا نگهدار.

\*\*\*\*\*

محمد: چرا ايستادي؟ چيزي شده است؟

راننده: فکر مي کنم لاستیک ماشین پنجر است.

محمد: پنجر؟ اما من خیلی عجله دارم.

راننده: بله. لاستیک پنجر است. الان آن را عوض مي کنم.

محمد: اما من وقت ندارم. با یک تاکسی دیگر می روم.

راننده: من برایت یک تاکسی می گیرم. ببخشید برای آنچه که پیش آمد.

محمد: نه. نه. خواهش مي کنم. من دیر کردم.

## در فروشگاه کفش

علي: سلام. روز بخير

فروشنده: سلام. خوش آمديد. بفرمائيد.

علي: ما دو جفت کفش ورزشي مي خواهيم. يک جفت براي من، و

يک جفت براي دوستم.

فروشنده: بفرمائيد اينجا. مدلهاي کفش ورزشي اينجاست.

علي: محمد! اين کفش چطور است؟ خوب است؟

محمد: آری. زيباست. اما به نظرم براي تو کوچک است.

فروشنده: چند لحظه صبر کنيد. بفرمائيد اين دو جفت کفش براي شما.

علي: ببخشيد. آيا از اين مدل شماره بزرگتر داري؟

فروشنده: چه شمارههاي مي خواهي؟

علي: ۴۲ يا ۴۳.

محمد: من هم شماره ۴۱ مي خواهم.

فروشنده: همین مدل؟

محمد: نه. من آن کفش سفید ساده را می خواهم.

\*\*\*\*\*

فروشنده: چطور است؟ آیا اندازه است؟

محمد: نه کمی تنگ است. آیا شماره بزرگتر داری؟

فروشنده: بله دارم.

محمد: متشکرم.

## در داروخانه

محمد: سلام. وقتتان بخیر.

کارمند: سلام. بفرما. نسخه داری؟

محمد: بله. بفرما. این نسخه دوستم است.

کارمند: لطفاً نسخه را به دکتر بده.

محمد: چشم. ببخشید دکتر من از دیروز از سردرد رنج می برم.

دکتر: یک بسته آسپرین به تو می دهم روزی سه قرص بخور.

\*\*\*\*\*

محمد: ببخشید. خمیر دندان و مسواک هم می خواهم.

کارمند: چه خمیر دندانی می خواهی؟ بفرما اینجا. خمیر دندان

و مسواکها در این ویتترین است.

محمد: لطفاً این خمیر دندان کوچک و این مسواک را بده.

کارمند: مسواک از چه رنگی می خواهی؟

محمد: فرقی نمی کند. لطفاً مسواک آبی بده.

کارمند: بفرما. داروهای آماده است. قیمت داروها با مسواک و خمیر

دندان ۴ هزار تومان می شود. لطفاً مبلغ را به صندوق بده.



## در فروشگاه لوازم چرمی

محمد: ببخشید! قیمت این پالتو چرم چه قدر است؟ ۲۰۰ هزار تومان؟

فروشنده: بله. قیمت آن ۲۰۰ هزار تومان است.

محمد: گران است. آیا این پالتو از چرم طبیعی است؟

فروشنده: بله. تمام پالتوها و کیف و کفشهای این فروشگاه از چرم طبیعی

هستند حتی دستکشها.

محمد: این چرمها محصول کجا هستند؟

فروشنده: شهر مشهد. البته چند شهر دیگر ایران نیز چرم تولید می

کنند. چرم ایران خیلی خوب است.

محمد: ببخشید، قیمت این کیف چقدر است؟

فروشنده: ۵۰ هزار تومان.

محمد: بسیار قشنگ است. اما برای من گران است.

فروشنده: کیف و کفشهای دیگری هم داریم. بفرمائید این طرف، سمت

چپ.

محمد: این کیف و دستکش بسیار زیبا هستند. اینها را می خواهم.

فروشنده: بله. حتماً. رنگ مشکی می خواهی یا قهوه ای؟

محمد: رنگ قهوه ای خوب است. متشکرم.



## کیف پول

زن: سلام. آیا یک کیف پول پیدا نکردی؟

محمد: نه متأسفم. من پیدا نکردم. آیا کیفیت را گم کرده‌ای؟

زن: بله. کیف پولم را گم کردم.

محمد: کیف پولت کجا بود؟

زن: همین جا. در این کیف دستی بود. اما الآن نیست.

محمد: آیا به پلیس خبر دادی؟

زن: نه، به پلیس خبر ندادم. چون من مأمور پلیس ندیدم.

محمد: پلیس آنجاست. حتماً به پلیس خبر بده.

زن: الآن به او خبر می‌دهم.

محمد: کیفیت چه رنگی است؟

زن: کیفم سبز و کوچک است. یک کارت هم در کیفم بود.

محمد: برو پیش پلیس. امیدوارم کیفیت را زود پیدا کنی.

زن: ان شاء الله. پليس حتماً به من کمک مي کند.

محمد: بله. حتماً کمکت مي کند.



## المراجع:

١- جامعة المصطفى المفتوحة ، قسم تعلم اللغة الفارسية، (الترم الاول)

گفتگو / إعداد : موسى الاحمد / موقع الجامعة

[/http://ar.ou.miu.ac.ir](http://ar.ou.miu.ac.ir)

٢- منیژه گله داری: درک مطلب شنیداری -ویژه زبان آموزان غیر ایرانی،

انتشارات مهر آرمین، تهران، ١٣٥٧ هـ ش.